

قالیباف در جمع رزمندگان حشدالشعبی: ایران و عراق باز هم طعم شکست را به آمریکا خواهند چشاند

۲ ملت، یک دشمن



گروه سیاسی: سفر اخیر رئیس مجلس شورای اسلامی به عراق، تنها یک رایزنی معمول پارلمانی یا اقتصادی میان ۲ همسایه نبود، بلکه در مقطعی انجام شدد که پس از جنگ ۶ ماهه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، معادلات امنیتی غرب آسیا در حال بازتعریف است و یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی کشورهای منطقه، چگونگی جلوگیری‌شان از تبدیل شدن سرزمین‌شان به مبدأ حملات آمریکا علیه کشورشان است.

در چنین شرایطی، به اعتقاد تحلیلگران، سفر محبدمقالی قالیباف به بغداد را می‌توان از یک زاویه دیگر نیز مورد توجه قرار داد؛ این سفر در کنار موضوعات سیاسی، اقتصادی و پارلمانی، حامل یک پیام امنیتی برای بغداد بود. عراق نباید اجازه دهد خاک و آسمان این کشور به مبدأ انجام حملات تجاوز کارانه علیه ایران تبدیل شود. این مساله به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که عراق همزمان با حفظ روابط خود با تهران، همچنان میزبان نیروها و تأسیسات نظامی آمریکاست و در سال‌های ۱۲ و ۴۰ روزه نیز خاک و حریم هوایی این کشور برای اقدامات نظامی آمریکا علیه ایران مورد استفاده قرار گرفت. از این منظر، گفت‌وگوهای قالیباف با مقامات امنیتی و قضایی عراق، مجموعه‌ای از پیام‌های سیاسی و امنیتی را در خود جاداه بود.

در همین چارچوب، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های رئیس قوه مقننه در جریان سفر به عراق، حضورش در جمع رزمندگان، جانبازان و خانواده شهیدای حشدالشعبی در جوار مزار شهید ابومهدی مهندس بود. قالیباف در این مراسم که دیروز انجام شد، با خطاب قرار دادن دشمنان امت اسلام، آمریکا و رژیم صهیونیستی تأکید کرد: وحدت میان امت اسلام به‌ویژه ۲ ملت ایران و عراق هرگز گسستنی نیست. این پیوند در جوار مرقد مطهر حضرت امیرالمؤمنین(ع) شکل گرفته و ملت‌های ۲ کشور برای این باور جان و خون داده و مبارزه کرده‌اند. رئیس مجلس در ادامه به تجربه مشترک ایران و عراق در برابر تهدیدهای امنیتی اشاره و بیان کرد: آن روزی که ۲ کشور و ملت به یکدیگر نیاز داشتند، مانند زمانی که آمریکا و رژیم صهیونیستی به عراق از داعش حمایت کردند، رزمندگان ایرانی در کنار رزمندگان عراقی قرار گرفتند. به گفته قالیباف، در تجاوز اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران در جنگ رمضان نیز رزمندگان و ملت عراق به میدان آمدند و از ایران حمایت کردند.

وی در این میان، خون شهیدان حاج‌قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس را نامد مهم این مبارزه مشترک و مقاومت دانست؛ ۲ فرمانده شهیدی که خون‌شان در همین سرزمین به یکدیگر پیوند خورد. قالیباف سپس با اشاره به تجربه جنگ اخیر تأکید کرد ایران و عراق همان‌گونه که در جنگ رمضان در برابر آمریکا ایستادند و «طعم تلخ شکست» را به این کشور چشاندند، بار دیگر نیز در مقابل استیکار خواهند ایستاد. رئیس مجلس در بخش دیگری از سخنانش با تأکید بر اینکه جبهه مقاومت امروز از هر زمان دیگری در برابر رژیم صهیونیستی و آمریکا زنده‌تر و فعال‌تر است، به نقش حضرت امام خمینی(ره) و حضرت امام شهید خامنه‌ای در شکل‌گیری و تداوم جبهه مقاومت اشاره و اظهار کرد: آنچه امروز در برابر قدرت مرموزنیمک آمریکا ایستاده و این قدرت را در منطقه به شکست کشانده، به برکت خون شهدا و روحیه مبارزه رهبر شهید انقلاب اسلامی است.

■ **ایران ششجبهه ای دستگاه امنیتی عراق**

رئیس مجلس شورای اسلامی و هیأت پارلمانی ایران، صبح پنجشنبه ۲۹ مرداد نیز با فالق زبیلان، رئیس شورای عالی قضایی عراق دیدار و گفت‌وگو کردند. این دیدار در ادامه رایزنی‌های قالیباف با مقامات

عالی‌رتبه عراق در روز نخست سفر انجام شد و موضوع همکاری‌های قضایی و حقوقی میان ۲ کشور در کانون آن قرار داشت.

وی سپس در دومین برنامه روز دوم سفر هیأت پارلمانی ایران به عراق، با قاسم العبودی، مشاور امنیت ملی عراق دیدار و گفت‌وگو کرد؛ دیداری که با توجه به شرایط امنیتی منطقه و تحولات پس از جنگ اخیر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. حضور مشاور امنیت ملی عراق در برنامه‌های سفر رئیس مجلس، در کنار دیدار رئیس شورای عالی قضایی، نشان می‌دهد رایزنی‌های تهران و بغداد تنها به مناسبات پارلمانی و اقتصادی محدود نبوده و مسائل قضایی، امنیتی و راهبردی نیز بخش مهمی از دستور کار این سفر را تشکیل داده است.

مهم‌ترین بخش برنامه روز دوم سفر قالیباف اما بعد از ظهر پنجشنبه در کربلای معلی رقم خورده؛ جایی که رئیس مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در مراسم چهلمین روز تدفین پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب شرکت کرد و در جمع مردم و مسؤولان حاضر در این مراسم به سخنرانی پرداخت.

رئیس مجلس با اشاره به مأموریت خود در این مراسم گفت: برای رساندن سلام گرم حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای و رئیس مجلس در ایران به مردم عراق در این مراسم حضور یافته‌ام.

رئیس مجلس در ادامه، از حضور گسترده میلیونی مردم عراق در مراسم تشییع تاریخی پیشوا و سیدالشهدای امت قدردانی و اظهار کرد: ملت عراق در این مراسم «حق برادری را به جا آورد و جهان را حیرت‌زده کرد.» قالیباف سپس به یکی از مهم‌ترین محورهای سخنان خود پرداخت و گفت: دشمنان در انداز تلاش کرده‌اند ایران و عراق را از یکدیگر دور کنند، نتیجه معکوس گرفته‌اند. به گفته او، «هر قدری که دشمنان ۲ کشور برای دور کردن ما از همدیگر برداشتنند، ما ۲ قدم به یکدیگر نزدیک‌تر شدیم.»

رئیس قوه مقننه عمق پیوند ۲ ملت را ناشی از تاریخ، جغرافیا و

اعتقادات مشترک به‌ویژه ارادت به اهل بیت(ع) دانست اما در عین حال بر یک عامل سیاسی و راهبردی مهم در نزدیک شدن تهران و بغداد تأکید کرد: امتناع مشترک ۲ کشور از پذیرش دخالت کشورهای بیگانه در سرنوشت مردم منطقه.

قالیباف افزود: تهران و بغداد در آینده باید به عنوان ۲ ملتی شناخته شوند که نپذیرفتند «پاروقی روایت‌های دیگران» باشند و سرنوشت‌شان در پایتخت دولت‌های غربی نوشته شود.

اظهارات قالیباف در پاسخ به اقدام مشکوک رئیس پارلمان عراق بود. پس از دیدار رئیس مجلس ایران با هییت حلبیوسی، صفحه قالیباف در شبکه اجتماعی ایکس، تصویری از وی منتشر کرد که در پس‌زمینه آن، عبارت خلیج فارس درج شده بود که صفحه هییت حلبیوسی برای پاسخ به آن، تصویری با عبارت معجول درج کرد. قالیباف سپس از امنیت به عنوان یکی از دستاوردهای مقاومت گفت و تأکید کرد: اگر ایران و عراق توانست‌اند با مقاومت، ایستادگی ملت‌های خود و کمک متقابل، امنیت را در کشورهای‌شان برقرار کنند، اکنون باید همین همکاری را به حوزه رفاه، توسعه و پیشرفت اقتصادی ۲ ملت گسترش دهند. وی در همین چارچوب تأکید کرد سفرش به عراق «برای تکرار کلمات بدون پشتوانه انجام نشده و ۲ کشور «دستور کار روشنی» برای ارتقای امنیت و ثبات، کوتاه کردن دست بیگانگان و تعریف پروژه‌هایی دارند که بتوانند به بهبود زندگی مردم ۲ کشور کمک کنند».

■ **اقتصاد؛ ضلع دوم نقشه راه تهران و بغداد**

بخش مهم دیگری از برنامه سفر قالیباف به عراق به نشست فعالان اقتصادی ۲ کشور اختصاص یافت. نشست همدیپلماتی فعالان اقتصادی ایرانی و عراقی با رئیس مجلس و هیأت پارلمانی همراه، روز پنجشنبه در سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد برگزار شده، نشست است که آن قالیباف تلاش کرد تصویری روشن‌تر از ظرفیت‌های اقتصادی ۲ کشور و موانع موجود در مسیر توسعه روابط ارائه کند.

یکی از محورهای مهم سخنان رئیس مجلس در این نشست،

ظرفیت نیروی انسانی مناطق مرزی ایران بود. وی با اشاره به وجود نیروی کار هوشمند، کارآمد و مستعد در شهرهای مرزی کشور گفت: ایران و عراق می‌توانند از این ظرفیت فنی و تخصصی استفاده کنند و عراق به عنوان یک کشور دوست می‌تواند از توان این نیروها بهره ببرد. تحقق این ظرفیت نیازمند طراحی یک نقشه راه دقیق و منسجم اقتصادی و تجاری میان ۲ کشور است.

قالیباف در ادامه سخنان خود از اقتصاد عبور کرد و بار دیگر به موضوع امنیت و رویکرد ایران در برابر تهدیدهای خارجی پرداخت. وی تصریح کرد: «ایران نه جنگ‌طلب است و نه به دنبال جنگ اما به عنوان یک کشور مسلمان، به یک اصل در امت اسلام باور دارد و آن اینکه اجازه نمی‌دهد افرادی بیایند عزت و شرف ملت‌ها را لگدمال کنند و بروند.»

■ **۷۵ درصد حمل‌ونقل در یابی دنیا در اختیار جهان اسلام است**
رئیس نهاد قانونگذاری کشور در ادامه بنه ادعاهایی که ایران را جنگ‌طلب معرفی می‌کنند پاسخ داد و بیان کرد: اتفاقا کسلی که جنگ را تجربه کرده‌اند، بیش از مدعیان صلح ارزش واقعی صلح را می‌دانند. قالیباف با بیان اینکه «کسی قدر صلح را می‌داند که جنگ‌نیده باشد» تأکید کرد: دیپلماسی زمانی ارزش و قدرت پیشبرد دارد که پشتوانه آمادگی برای دفاع وجود داشته باشد. اگر کشوری برای جنگ آماده نباشد، در زمان استفاده از دیپلماسی نیز کسی به حرف آن توجه نخواهد کرد.

قالیباف در ادامه سخنان خود، یک بار دیگر از موقعیت ژئوپلیتیک ایران، عراق و کشورهای اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع قدرت این کشورها یاد کرد.

رئیس مجلس با اشاره به اینکه ایران و عراق نزدیک نیم‌قرن است در وضعیت‌هایی مانند «نه جنگ و نه صلح» یا «هم جنگ و هم صلح» قرار گرفته‌اند، این وضعیت را غیرطبیعی دانست و ادامه داد: مگر انسان مقدر عمر می‌کند که ۵۰ سال از زندگی خود را در چنین شرایطی سپری کند؟

فشار معیشتی به ابزاری برای گرفتن امتیاز در جبهه‌های لبنان، عراق، یمن و سایر پرونده‌های منطقه است. وقتی رسانه‌های غرب همزمان از پایان جنگ در لبنان با میلاجیح‌گری آمریکا محدودسازی نیروهای متحد ایران و بازگشایی تنگه هرمز سخن می‌گویند، در واقع در حال ساخت یک «بسته تسلیم چندجبهه‌ای» هستند. بسته‌ای که قرار است هزینه اقتصادی ایران، ضامن پذیرش آن شود.

۵- **تبدیل نارضایتی اقتصادی به موتور فشار سیاسی**
اجتماعی

صریح‌ترین بخش این راهبرد را اسکاوت بسنت آشکار کرد. وزیر خزانه‌داری آمریکا نعتن‌ها از «فشار حداکثری» سخن گفت، بلکه هدف نهایی آن را به صراحت «سرنگونی» جمهوری اسلامی عنوان کرد. این موضع نشان می‌دهد فشار اقتصادی در محاسبات بخشی از دولت آمریکا صرفاً ابزار مذاکره نیست، بلکه قرار است از مسیر تورم، کاهش قدرت خرید مردم، اختلال تجاری و انقباض منابع ارزی، شکاف میان جامعه و حامیان را تعمیق کند. به همین دلیل رسانه‌های معاند با وسواس ویژه بر عباراتی چون «فروپاشی»، «هرگ پول ملی»، «تیر اقتصادی بسته‌شده» و «محاصره کامل» تمرکز می‌کنند. مساله صرفاً توصیف فشار نیست، هدف، تبدیل فشار به انتظار فروپاشی و سپس تبدیل انتظار فروپاشی به رفتار اجتماعی است. در این مدل، شورش یا اعتراض نه محصول مستقیم رسانه، بلکه نتیجه پیوند نارضایتی واقعی با یک چارچوب روایی هدایت‌شده است.

۶- **ساخت یک «پیروزی قابل فروش» برای ترامپ در داخل آمریکا**

آخرین هدف اساسا مصرف داخلی دارد. ترامپ وارد مرحله‌ای شده که تداوم جنگ ضد ایران، به یکی از آسیب‌پذیری‌های سیاسی او در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای مان آه تبدیل شده است. افت محبوبیت، افزایش قیمت انرژی، فرسایش مهمات و اختلاف درون جریان ماگا، همگی به پرونده ایران گره خورده‌اند. کاخ سفید در چنین شرایطی نیازمند تولید یک تصویر پیروزمندانه است؛ حتی اگر پیروزی سیاسی و نظامی واقعی حاصل نشده باشد. ادعای «کنترل کامل هرمز»، «ناپودی نیروی دریایی و هوایی ایران»، «محاصره ۱۰۰ درصد موقت» و اکنون «بزرگ‌ترین جنگ اقتصادی تاریخ» همگی اجزای یک روایت واحدند: ترامپ باید بتواند به رای‌دهنده آمریکایی بگوید جنگ را نباخته، ابتکار عمل را در دست دارد و ایران در آستانه عقب‌نشینی است. به بیان دیگر، عملیات روانی علیه تهران همزمان بخشی از کارزار انتخاباتی در واشنگتن است.

نتیجه‌گیری
«تحریم بی‌سابقه» در ادبیات سیاسی آمریکا در مواجهه با تهران مسبوق به سابقه است. دولت کلینتون دهه ۱۹۹۰ تحریم‌های جامع اقتصادی علیه ایران را در قالب اقدامی بی‌سابقه معرفی می‌کرد، دولت اوباما در اوج فشارهای منتهی به برجام از «سطح بی‌سابقه فشار» و «فلج‌کننده‌ترین

وی گفت: برخی تلاش می‌کنند مسؤولیت این وضعیت را متوجه کشورهای منطقه کنند، در حالی که از نظر او، این شرایط را دشمنی ایجاد کرده که پس از مشاهده ظرفیت نیروی انسانی، منابع خدادادی و موقعیت ژئوپلیتیک ایران، عراق و سایر کشورهای اسلامی، به این منطقه طمع کرده است.

قالیباف برای توضیح اهمیت این موقعیت جغرافیایی به تنگه هرمز، خلیج فارس، باب‌المندب و کانال سوئز در مدیترانه اشاره و اظهار کرد: جغرافیای این مناطق به گونه‌ای است که ۷۵ درصد حمل‌ونقل دریایی جهان که اساس آن بر حمل‌ونقل دریایی است، در اختیار کشورهای مسلمان قرار گرفته است.

■ **دشمن برای چپاول منابع ما به منطقه آمده**

رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانش خطاب به فعالان اقتصادی ایرانی و عراقی اظهار کرد: اگر منابع طبیعی و مواد اولیه کشورهای مسلمان مورد بررسی قرار گیرد، مشخص می‌شود یکی از دلایل حضور قدرت‌های خارجی در منطقه، دسترسی به همین منابع است. قالیباف تأکید کرد: کشورهای منطقه باید در چنین شرایطی برای مقابله با تحریم‌های ظالمانه برنامه‌ریزی کنند تا بتوانند از این فشارها عبور کنند.

■ **با ارزهای ملی به دهان ارز آمریکایی برنیم**

قالیباف همچنین یکی از راه‌های عبور از فشار اقتصادی را کاهش وابستگی به دلار و استفاده از ظرفیت ارزهای ملی دانست.

وی افزود: امروز امکان انجام مبادلات تجاری با ارزهای ملی وجود دارد و باید با استفاده از این ظرفیت «به دهان ارز آمریکایی زد». رئیس مجلس با بیان اینکه دوران سیطره آمریکا بر جهان گذشته است، تصریح کرد: «کشورهای منطقه هنوز به اندازه کافی به فرصت‌های ایجادشده توجه نکرده‌اند».

■ **امنیت و اقتصاد؛ ۲ بال یکدیگر**

یکی از مهم‌ترین گزاره‌های اقتصادی قالیباف در این نشست، تأکید بر ارتباط مستقیم میان امنیت و اقتصاد بود. رئیس مجلس این دورا «۲ بال یکدیگر» توصیف کرد و گفت: اقتصاد برای پرواز به پایه امنیت نیاز دارد. به گفته قالیباف، اگر امنیت برقرار نباشد، سرمایه‌گذاری شکل نمی‌گیرد و سرمایه‌وارد کشور نمی‌شود. بنابراین هر نوع توسعه اقتصادی نیازمند امنیت است. در طرف مقابل نیز اگر امنیت ایجاد شود و با اقتصاد و توسعه اقتصادی تداوم نیابد، همان امنیت نیز نمی‌تواند پایدار بماند. رئیس مجلس سپس از ظرفیت روابط ایران و عراق برای اثرگذاری بر سایر کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای عرب گفت و تأکید کرد: ۲ کشور باید قدر سلفه تاریخی، تمدنی و جغرافیایی خود را بدانند، چرا که این روابط از عمق و ظرفیت بالایی برخوردار است.

■ **مسیر ایران و عراق تا مدیترانه از حوزه مقاومت می‌گذرد**
قالیباف در بخش پایانی سخنان خود، بار دیگر بر اهمیت ظرفیت‌های دریایی و ژئوپلیتیک منطقه تأکید کرد و افزود: هر اندازه ایران و عراق بتوانند از فرصت‌های دریایی استفاده کنند، نیز صادق‌تر از آن کشور خواهد بود. وی در همین زمینه به سیاست‌های چین اشاره کرد و گفت: ایران و عراق باید از تجربه کشورهای دیگر در استفاده از ظرفیت‌های جغرافیایی و تجاری خود درس بگیرند.

رئیس مجلس همچنین مسیر ایران و عراق تا مدیترانه را متشکل از جنگ‌های حوزه مقاومت دانست و آید مسیر را یکی از مهم‌ترین محورهای ژئوپلیتیک منطقه توصیف کرده. مسیری که از نگاه او از مؤلفه‌های بزرگ قدرت و استقلال کشورهای منطقه محسوب می‌شود.

تحریم‌های تاریخ» سخن به میان آورد و دولت نخست ترامپ نیز سال ۲۰۱۸ با پشت‌تحریم‌ها را «بی‌سابقه‌ترین بزرگ‌ترین و شدیدترین بسته تحریمی» علیه ایران توصیف کرد. اکنون نیز همان واژه‌ها با بسته‌بندی تازه از بازگشاید شده‌اند. بنابراین «بی‌سابقه» بیش از آنکه وصفی باشد، یک سازه تبلیغاتی برای القای نقطه عطف و شوک روانی است. همین محسوس درباره «کریدور جنوب» نیز صادق است. تلاش آمریکا برای راه‌اندازی یک مسیر موازی را نمی‌توان نادیده گرفت اما تبدیل آن به ادعای «شکستن کنترل ایران» یا «بازگشت عادی تجارت» با واقعیت میدانی فاصله عمیقی دارد. تردد همچنان به‌شدت پایین‌تر از سطح پیش از جنگ است، بخش قابل توجهی از عبورها به صورت خاموش و با هرمنه‌های امنیتی بالا انجام می‌شود و بازار نفت نیز هنوز برای ریسک هرمز حق بیمه قابل توجهی طلب می‌کند. داده‌های کیپلر در ۲۰ اگوست نشان داد تنها ۹ کشتی کالایی در هر یک از ۲۰ روز شش‌شنبه و چهارشنبه از تنگه عبور کرده‌اند.

آنچه امروز در کاخ سفید و شبکه رسانه‌ای پیرامون آن دیده می‌شود، ادامه همان الگوی آشنایی است که طی ماه‌های نبرد نظامی بارها تکرار شد؛ ادعاهای مکرر ترامپ درباره دسترسی‌های قرب‌الوقوع به توافق و پایان جنگ تا ادعای نابودی کامل توان نظامی ایران و از سخنان بسنت درباره اسکورت موفق کشتی‌ها تا روایت فروپاشی قرب‌الوقوع جمهوری اسلامی. فاصله میان این ادعاها و تحولات میدانی، کم‌کم به چالشی برای اعتبار آمریکا در جامعه جهانی تبدیل شده است. ناکامی واشنگتن در تحقق اهداف اعلامی جنگ رسوم تحمیلی، تاب‌آوری کم‌نظیر ایران در برابر فشار نظامی و اقتصادی و نگرانی فراینده ترامپ از هزینه سیاسی جنگ در آستانه انتخابات کنگره، کاخ سفید را به سوی تشدید «هدیریت ادراک» سوق داده است. آنچه اکنون به عنوان «عملیات اقتصادی همه‌جانبه» و «شکستن هرمز» فروخته می‌شود، بیش از آنکه نشانه یک پیروزی تثبیت‌شده باشد، تلاشی برای ساختن تصویری از پیروزی در شرایطی است که تجربه نهایی جنگ همچنان با مطالبات ابتدایی آمریکا فاصله گسترده‌ای دارد. وال‌استریت ژورنال در گزارشی به‌درستی عنوان کرد هدف جنگی ترامپ در مقطع کنونی از توافق هسته‌ای به بازگشایی هرمز تنزل کرده است. به زعم روزنامه آمریکایی، جنگ به ازامون «چه کسی زودتر تسلیم می‌شود» تبدیل شده و ایران با وجود آسیب اقتصادی، خود را با شرایط جدید تطبیق داده و بر استفاده از موقعیت جغرافیایی هرمز برای افزایش هزینه‌های آمریکا حساب کرده است. درست در همین شکاف میان واقعیت و روایت است که عملیات روانی واشنگتن معنا می‌یابد: ساختن شکست در ذهن حریف، بدون آنکه چنین شکستی در میدان رخ داده باشد.

با وجود فضاسازی شکل گرفته پیرامون تحرکات آمریکایی‌ها و نقش رسانه‌ها در بسط آن، با نگاهی به گزارش‌های همین رسانه‌ها در هفته‌های گذشته، به‌روشنی شکاف آشکاری میان روایت تازه و واقعیت میدانی قابل مشاهده است. داده‌های «کیپلر» که بارها از سوی روتنبرگ، سی‌ان‌ان و رسانه‌های اقتصادی دنیا مورد استناد قرار گرفته‌در، در جدیدترین گزارش، از سقوط شدید تردد دریایی نسبت به سطح پیش از جنگ حکایت دارد. به گزارش کیپلر، عبور کشتی‌ها در مقاطع متعدد به تکریمی یا نزدیک به آن رسیده و متوسط ۱۰ روزه نیز در سطوحی بسیار پایین‌تر از وضعیت عادی باقی مانده است. از سوی دیگر، آنچه آکسیوس به نقل از ۲ مقام آمریکا «کریدور جنوب» نامیده، در عمل نه بازگشت آزادی کشتیرانی، بلکه یک سازوکار نظامی پیچیده مکنی بر حرکت شبانه، زمان‌بندی کاروان‌ها، هماهنگی با دولت‌های مرتجع عرب و پوشش جنگنده‌های آمریکایی است که تاکنون نیز مستنداتی متقن لال بر عبور بالای کشتی‌ها از این کریدور قابل رویت و تایید نبوده است.

فضای حاکم بر بازار انرژی نیز چندان با روایت «عادی شدن» سازگار نیست. نفت برنت پس از تشدید تنش‌ها و اعلام بسته جدید فشار اقتصادی آمریکا دوباره به بالای ۹۰ دلار بازگشت و هزینه حمل، بیمه و ریسک کشتیرانی در منطقه همچنان بالا باقی مانده است. این واقعیت تاقلی خود نشان می‌دهد بازار حال هنوز هرمز را یک متغیر کل‌ضد وضعیت عادی». بلکه سازگاری پرهزینه بازار با یک نظم موقت، نظامی‌شده و شکننده است که هر آن با سیاست جدیدی از سوی تهران می‌تواند دستخوش دگرگونی شود.

از همین زاویه، موج تازه تبلیغات آمریکا را باید بخشی از یک عملیات روانی چندلایه قلمداد کرد؛ عملیاتی که پس از فرسایش کارایی گزینه نظامی و ناکامی در تحمیل نتیجه سیاسی فوری، اکنون می‌کوشد «دراک شکست ایران» را جایگزین «واقعیت تسلیم ایران» کند. ضرب‌دهی به ۲ روایت مذکور در خلال ۲۲ ساعت اخیر، عمدتاً با اهداف زیر دنبال شده است.

۱- **فرسایش امید اجتماعی و شکستن تصویر تاب‌آوری**
نخستین هدف، ضربه زدن به سرمایه روانی جامعه ایران است. در هفته‌های گذشته، حتی شماری از رسانه‌های غرب اذعان کردند فشار گسترده نظامی، تحریم، خسارات زیرساختی و محاصره توانسته‌اند جمهوری اسلامی را به فروپاشی سیاسی یا تسلیم راهبردی وادار کنند. از ریسپانسibil استیث‌کرفت تا فارن پالیسی، بارها بر توان ایران برای ادامه جنگ، حفظ شبکه‌های تأمین، بازسازی بخشی از توانمندی‌ها و تحمل هزینه متقابل تأکید کرده‌اند. اکنون روایت «محاصره کامل» و «شکستن

بیش از ۱۷۰۰ روز از آغاز جنگ رمضان سپری شده و پرونده ایران، بر خلاف تصویری که رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا در هفته‌های نخست از یک رویارویی کوتاه، کم‌هزینه و زودفروجام ترسیم می‌کرد، به دشوارترین گره

سیاست خارجی دوره دوم ریاست‌جمهوری او بدل شده است. کاخ سفید در این مدت به‌روشنی تمام ابزارهای متعارف و نامتعارف قدرت را آزموده؛ از بمباران و محاصره دریایی تا فشار دیپلماتیک، تحریم‌های چندلایه، تهدید، مذاکره غیرمستقیم، جنگ روایت‌ها و بسیج متحدان. با این همه، واشنگتن نه توانسته تهران را به تسلیم سیاسی وادار، نه معادله تنگه هرمز را به وضعیت پیش از جنگ بازگرداند و نه برای پایان منازعه، دستاوردی روشن و قابل عرضه به افکار عمومی آمریکا ارائه کند.

در چنین بستری، دستگاه سیاسی-رسانه‌ای آمریکایی روزهای اخیر گزاره را با حجمی کم‌سابقه وارد کرد: پرنش خبری کرده و پروپاگاندای گسترده‌ای را به راه انداخته؛ نخست، آغاز آنچه ترامپ «کوبنده‌ترین عملیات اقتصادی تاریخ» و اسکاوت بسنت، وزیر توررست خزانه‌داری آمریکا «بزرگ‌ترین الزوای اقتصادی هماهنگ‌شده در جهان» نامیده‌اند و دوم، ادعای ایجاد کریدوری در بخش جنوبی تنگه هرمز که توان ایران برای مدیریت و محدودسازی عبور کشتی‌ها را شکسته و جریان نفت را تا مرز عادی شدن پیش برده است.

این ۱۲ ادعا طی ۲ روز، به خط اصلی ده‌ها گزارش، تحلیل و یادداشت در رسانه‌های آمریکایی، صهیونی، عربی، پارسی‌زبان معلد و حتی بخشی از فضای رسانه‌ای داخلی تبدیل شد. فاکس‌نیوز، بلومبرگ، وال‌استریت ژورنال، آکسیوس، رسانه‌های عربی و شماری از شبکه‌های پارسی‌زبان معاند، هر یک بخشی از این تصویر را تکمیل کرده‌اند: تصویری که در آن ایران همزمان در حال دست دادن مهم‌ترین اهرم دریایی خود و مواجه شدن با حلقه‌ای اقتصادی توصیف شده که قرار است «ادعای تنفس» اقتصاد کشور را یکی پس از دیگری مسدود کند.

تصمیم امارات برای تعلیق مبادلات تجاری و مالی با ایران نیز فورا در همین چارچوب از سوی رسانه‌های جریان اصلی تفسیر شد. رسانه‌های مذکور با نامیدن دویی به عنوان «یه اقتصادی ایران» یا «شریان اکسیژن» تهران، اقدام ابوطی را نه یک تصمیم دوجانبه، بلکه بخشی از معماری فشار واشنگتن برای قطع شبکه‌های مالی، با‌ضارداتی ولجستیکی ایران بازنامی کرده‌اند. صورت‌بندی‌ای که از واقعیت عبور کرده و وارد قلمروی عملیات روانی رسانه‌ها ضدایرانی شده و نوید فروپاشی جمهوری اسلامی(!) در آینده نزدیک را داده است.